

بررسی ریشه عهدنامه علی‌علیه با محمد بن ابی بکر در نهج‌البلاغه

حمید رضا صراف *

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۱۶

چکیده

سخنان و نامه‌های امیرالمؤمنین علی‌علیه در ارتباط با حکومت و حکومت‌داری، در راستای شناخت فقه‌سیاسی بسیار قابل توجه است؛ در این میان، عهدنامه‌های ایشان با کارگزاران و استناداران خود، جایگاه خاصی دارد. در بخش معروف به نامه‌ها در نهج-البلاغه، متنی به عنوان (و من عهده علی‌علیه إلى محمد بن ابی بکر حين قلده مصر) دیده می‌شود که از نظر ادبیات سیاسی نیز بسیار قابل توجه است؛ با بررسی این متن به این نتیجه می‌رسیم که این متن در واقع عهدنامه اصلی و حکم سیاسی ایشان به محمد بن ابی بکر نیست و بخشی از یک نامه جامعی است که امیرالمؤمنین علی‌علیه برای محمد بن ابی بکر، در پی درخواست او در مورد قضاوت و برخی امور دیگر، نوشته است. در این مقاله، با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای، عهدنامه اصلی امیرالمؤمنین علی‌علیه به محمد بن ابی بکر معرفی و آورده شده و نامه جامع امام علی‌علیه به محمد بن ابی بکر نیز معرفی شده است و مقایسه‌هایی بین متن نهج‌البلاغه با برخی متون دیگر از این نامه جامع انجام شده است. با مقایسه‌ی این متون به این نتیجه می‌رسیم که متن نهج‌البلاغه، احتمالاً از یکی از کتابهای ابومخنف، که نویسنده‌ای مشهور در تاریخ اسلام است گرفته شده است. محتوای این نامه جامع از منظرهای متعددی مانند فقه‌سیاسی، فقه‌قضایی و علم اخلاق، بسیار قابل توجه است.

کلید واژه‌ها:

محمد بن ابی بکر، عهدنامه، ابومخنف، فقه‌سیاسی، فقه‌قضایی.

۱. مقدمه

نهج البلاغه به عنوان مجموعه‌ای از سخنان و نامه‌های منقول برای امام علی علیه السلام، حاوی مطالب سیاسی فراوانی است. این سخنان و نامه‌های سیاسی در راستای شکل‌دهی یک فقه سیاسی منسجم و کارآمد، بسیار قابل توجه است. سخنان و نامه‌های امام علی علیه السلام با داشتن حجم زیاد مطالب حکومت‌داری، گنجینه ارزشمند و گران‌بهایی در راستای فهم احکام سیاسی اسلام است؛ در این میان، احکام حکومتی از جانب ایشان برای کارگزاران خود و به تعبیری عهدنامه‌های ایشان با کارگزارانشان، جایگاه خاصی دارد.

در نهج البلاغه در بخش معروف به نامه‌ها، عهدنامه‌ای برای امیرالمؤمنین علی علیه السلام نقل شده که برای محمد بن ابی‌بکر در هنگامی که امام علی علیه السلام او را به استانداری مصر گمارد، صادر شده است. در این نامه نکاتی در ارتباط با رفتار با زیردستان، برنده‌شدن اهل تقوا در دنیا و آخرت، مرگ‌اندیشی، حذر از آتش جهنم، خوف از خداوند همراه با حُسن ظنّ نسبت به خداوند، ترجیح رضایت خداوند نسبت به هر چیز دیگر، نماز، مقایسه امام هدایت و امام گمراهی و غیره مطرح شده است (نهج البلاغه/ نامه ۲۷). سؤال اینجاست که آیا این متن همان عهدنامه و حکم اصلی است و یا اینکه برگرفته از متن دیگری است؟ اگر این نامه برگرفته از متن دیگری است، آن متن اصلی کدام است و دارای چه خصوصاتی است و عهدنامه و حکم اصلی امیرالمؤمنین علی علیه السلام با محمد بن ابی‌بکر کدام متن است؟

در دوران معاصر و به تبع توجه خاص به اسلام و تشیع سیاسی، توجه بیشتری به نهج البلاغه و ادبیات سیاسی موجود در آن مبذول شده است؛ یکی از متونی که بسیار مورد توجه قرار گرفته عهدنامه علی علیه السلام با مالک اشتر است که مقالات و متون فراوانی در مورد آن نوشته شده است. لیکن عهدنامه امام علی علیه السلام با محمد بن ابی‌بکر از شهرت بالایی برخوردار نیست. نیز نامه جامعی برای امیرالمؤمنین علی علیه السلام خطاب به محمد بن ابی‌بکر نقل شده که از نظر موضوعاتی مانند اخلاق دینی و سیاست، حاوی نکات زیادی است. در مورد هر دو متن مذکور، مقاله و کتاب مستقلی شناسایی نشد. امیدواریم که این مقاله در جهت شناساندن هرچه بیشتر این دو متن به جامعه علمی و نیز عموم مردم، تأثیرگذار باشد.

۲. محمد بن ابی‌بکر و عهدنامه سیاسی او

۱/۲. شخصیت محمد بن ابی بکر

محمد بن ابی بکر از شیعیان مخلص و یاران باوفای امیرالمؤمنین علی علیه السلام و از پرورش یافتگان ایشان بود. در کتابهای رجال شیعه، تعابیر جالبی در مورد وی آمده است؛ برای مثال، او از خالصان اصحاب امام علی علیه السلام، و از مقربان و حواریون او معرفی شده است. نیز او یکی از اعضای شرطه الخمیس بود که نیروی نظامی ویژه امام علی علیه السلام بوده است (خوئی، ۱۴۰۹ق: ۱۵/۲۴۱). پدر وی ابوبکر (عبدالله بن ابی قحافه تیمی) خلیفه دوم است و مادر او، اسماء بنت عُمیس از زنان سرشناس و عفیف و شریف صدر اسلام است. اسماء در مکه ایمان آورد و با پیامبر صلی الله علیه و آله بیعت کرد و همراه همسرش جعفر بن ابیطالب به حبشه هجرت کرد (ابن سعد، ۱۹۶۸م: ۸/۲۸۰ و ۲۸۱). پس از شهادت جعفر در جنگ موته، اسماء به عقد ابوبکر درآمد و پس از مدتی محمد بن ابی بکر را به دنیا آورد. تولد محمد بن ابی بکر در جریان حجه الوداع واقع شده است که ابوبکر و اسماء نیز پیامبر صلی الله علیه و آله را در این سفر همراهی می کردند و اسماء در ذی الحلیفه (جایی بین مکه و مدینه) محمد را به دنیا آورد و وی را به همراه خود به مکه بُرد (ابن سعد، ۱۹۶۸م: ۸/۲۸۱ و ۲۸۲). پس از مرگ ابوبکر، اسماء به عقد امیرمؤمنان علی علیه السلام درآمد و همراه با فرزند خردسالش محمد که تقریباً سه ساله بود، به خانه ی امام علی علیه السلام آمد و محمد بن ابی بکر در دامن علی علیه السلام پرورش یافت (ابن سعد، ۱۹۶۸م: ۸/۲۸۵). در زمان خلافت عثمان، وی محمد بن ابی بکر و دوستش محمد بن ابی حذیفه را به سرزمین مصر فرستاد. هر دو نفر در سپاه عبدالله بن سعد ابن ابی سرح قرار گرفته تا با کفار آفریقا مشغول نبرد شوند. البته در پی اختلافاتی، محمد بن ابی بکر همراه با محمد ابن ابی حذیفه، اعتراضاتی را علیه عامل عثمان در مصر انجام دادند (بلاذری، بی تا: ۲/۳۸۷ و ۳۸۸). در جریان اعتراضات گسترده علیه برخی اقدامات عثمان، مردم چند منطقه از جمله مصر، اعتراض خود را به خلیفه ی وقت رساندند (ابن سعد، ۱۹۶۸م: ۳/۷۱). مصری ها همراه با محمد بن ابی بکر به جمع معترضان در مدینه پیوستند (بلاذری، ۱۳۷۲ش: ۲/۳۸۸). در جریان اعتراضات گسترده علیه عثمان، خانه عثمان محاصره شد و محاصره کنندگان پیشنهاداتی از جمله استعفای عثمان مطرح کردند ولی او قبول نکرد. پس از وقوع اتفاقاتی گسترده، عده ای به خانه او حمله کردند که محمد بن ابی بکر و مالک اشتر از آن جمله بودند. در خانه عثمان درگیری رخداد و در نهایت عثمان در پی ضرباتی از سوی کنانه بن بشر و سودان بن حمران و برخی دیگر، در سال سی و پنج قمری کشته شد (ابن اُعثم، بی تا: ۳۵۴-۳۸۵).



پس از کشته شدن عثمان، مردم به سوی امام علی علیه السلام روی آوردند تا با او بیعت کنند ولی وی اظهار بی میلی فرمود و دست خود را عقب کشید ولی در نهایت پس از اصرار فراوان از سوی طالبان خلافت ایشان، درخواست آنان را را قبول کرد و پذیرفت که مردم با وی بیعت کنند و اکثریت مردم با وی بیعت کردند (بلاذری، بی تا: ۲/۲۰۶ و ۲۱۲). در جریان جنگ جمل، محمد بن ابی بکر در معرکه جمل حضور داشت و رفتار خواهر خود، عایشه را مبنی بر ایستادن در مقابل امیرالمؤمنین علی علیه السلام که خلیفه برحق بود، تقبیح کرد (ابن اُعثم، بی تا: ۴۳۶). پس از چندی، حضرت علی علیه السلام محمد ابن ابی بکر را با حکمی به استانداری مصر منصوب کرد (بلاذری، بی تا: ۲/۳۹۲).

در جریان کژتابی‌های معاویه و بعد از استنکاف معاویه از بیعت و تحویل استانداری شام، محمد بن ابی بکر به وی نامه نوشت و عملکرد او را تقبیح کرد (بلاذری، بی تا: ۲/۳۹۳-۳۹۵ و منقری، ۱۳۶۶ ش: ۱۶۵-۱۶۷). در جنگ صفین، منادی لشگر صفین به همراهی محمد بن ابی بکر با این لشگر افتخار می کرد (منقری، ۱۳۶۶ ش: ۳۹۸). بعد از جنگ صفین که معاویه از شکست گریخته بود و فرصت بیشتری برای نقشه کشیدن برای تسخیر مصر داشت، این سرزمین دچار التهابات شدیدی شد. قبل از جنگ صفین، عمرو بن العاص در عوض بیعت با معاویه، حکومت مصر را از وی طلب کرده بود و معاویه نیز گردن نهاده بود (منقری، ۱۳۶۶ ش: ۶۰-۶۴)؛ ولی حکومت محمد بن ابی بکر بر مصر، سدّ بزرگی بر سر تحقق این وعده بود. معاویه از یک سو سپاهی بزرگ به فرماندهی عمرو بن العاص به مصر فرستاد و از سویی دیگر، مخالفان امام علی علیه السلام و هواداران عثمان مقتول را در مصر حمایت می کرد. امیرالمؤمنین علی علیه السلام در پی اطلاع از اوضاع بحرانی مصر، مالک اشتر نخعی را که توانایی بیشتری در خنثی کردن توطئه‌های معاویه و دشمنان داخلی داشت را به مصر گسیل کرد ولی در بین راه بر اثر دسیسه معاویه، مسموم و شهید شد. در پی افزایش وخامت اوضاع، محمد بن ابی بکر به حضرت علی علیه السلام نامه نوشت و از ایشان تقاضای نیروی کمکی کرد. حضرت علی علیه السلام در مسجد کوفه خطبه‌ای خواند و مردم را از وضعیت آشفته مصر مطلع کرد و از آنان خواست که جهت کمک به محمد بن ابی بکر آماده حرکت به مصر شوند؛ ولی فقط عده کمی دعوت امیرالمؤمنین علی علیه السلام را اجابت کردند و امیرالمؤمنین علی علیه السلام آنان را به فرماندهی کعب بن مالک همدانی به سوی مصر گسیل کرد. قبل از



رسیدن نیروی کمکی از سوی حضرت علی علیه السلام، نیروهای شامی زودتر وارد مصر شده بودند و درگیری شروع شده بود. محمد بن ابی بکر سپاهی را به فرماندهی «کنانه بن بشر سکونی» به مبارزه شامیان فرستاد و عمرو بن العاص نیز سپاهی را به فرماندهی «معاویه بن حذیف سکونی» که هم قبیله کنانه بن بشر بود به جنگ مصریان فرستاد؛ در پی جنگی سخت و کشته شدن فرمانده و بسیاری از سربازان لشکر مصر، لشکر شامی غلبه کرد. محمد بن ابی بکر در مقابل جناح شامی آن قدر مقاومت کرد که یگه و تنها شد و برای گریز از اسارت به دست سپاه معاویه، به بیرون از شهر گریخت. معاویه بن حذیف او را تعقیب کرد و وی را تشنه و زخمی در خرابه ای دستگیر کرد و سرش را در حالی که به شدت تشنه بود، از بدنش جدا کرد و آن را نزد عمرو بن العاص در قُسطاط فرستاد و پیکر محمد بن ابی بکر را در شکم خرمرده ای گذاشت و وحشیانه به آتش کشید. بعد از رسیدن خبر شهادت محمد بن ابی بکر، لشکر کمکی امام علی علیه السلام که هنوز فاصله زیادی از کوفه دور نشده بود، به کوفه بازگشت (بالذری، بی تا: ۴۰۳/۲-۳۹۸). وقتی خبر شهادت محمد بن ابی بکر به امیرالمؤمنین علی علیه السلام رسید، ایشان به شدت متأثر و ناراحت شد و در وصف او فرمود: عِنْدَ اللَّهِ نَحْتَسِبُ مُحَمَّدًا فَقَدْ كَانَ مِمَّنْ يَنْتَظِرُ الْقَضَاءَ وَيَعْمَلُ لِلْجَنَاءِ (بالذری، بی تا: ۴۰۴/۲). حضرت علی علیه السلام محمد بن ابی بکر را حبیب خود و پرورش یافته خود می دانست (نهج البلاغه/کلام ۶۸) و در یکی از نامه های خود بعد از شهادت او، وی را فرزندی خیرخواه، کارگزاری سخت کوش، شمشیری بُرّان و زُکّنی بازدارنده معرفی کرد (نهج البلاغه/نامه ۳۵). امام صادق علیه السلام نیز وی را مدح فرموده است (طوسی، ۱۴۲۹ق: ۹۰).

۲/۲. عهدنامه امیرالمؤمنین علی علیه السلام با محمد بن ابی بکر در نهج البلاغه

در نهج البلاغه در بخش معروف به نامه ها، متنی به عنوان (و مِنْ عَهْدِهِ علیه السلام إِلَى مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي بَكْرٍ حِينَ قَلَدَهُ مَصْرًا) آمده است (نهج البلاغه/نامه ۲۷) ولی با بررسی برخی از متون قبل از نهج البلاغه به این نتیجه می رسیم که این متن هرچند بخشی از یک متن ارسالی از سوی حضرت علی علیه السلام به محمد بن ابی بکر هست ولی متن حکم استانداری و عهدنامه اصلی استانداری او نیست. متن دیگری با عنوان حکم استانداری او در برخی از متون قبل از نهج البلاغه نقل شده است که در ادامه، این حکم به نقل از الغارات ابواسحاق ثقفی آورده خواهد شد:



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ « هَذَا مَا عَهْدُ عَبْدِ اللَّهِ عَلَيَّ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ إِلَى مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي بَكْرٍ حِينَ وَلَاهُ مِصْرَ أَمْرَهُ يَتَّقُوا اللَّهَ [والطاعة له] فِي السِّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ وَخُوفِ اللَّهِ فِي الْغَيْبِ وَالْمَشْهَدِ [أمره] بِاللَّيْلِ لِلْمُسْلِمِ وَبِالْغَلْظَةِ عَلَى الْفَاجِرِ وَبِالْعَدْلِ عَلَى أَهْلِ الذِّمَّةِ وَبِالْإِنْصَافِ لِلْمَظْلُومِ وَبِالشَّدَّةِ عَلَى الظَّالِمِ وَبِالْعَفْوِ عَنِ النَّاسِ وَبِالْإِحْسَانِ مَا اسْتَطَاعَ وَاللَّهُ يَجْزِي الْمُحْسِنِينَ وَيُعَذِّبُ الْمَجْرِمِينَ. وَأَمْرُهُ أَنْ يَدْعُو مَنْ قَبْلَهُ إِلَى الطَّاعَةِ وَالْجَمَاعَةِ فَإِنْ لَمْ يَفْعَلْ ذَلِكَ مِنَ الْعَاقِبَةِ وَعَظِيمِ الثَّمَنَةِ مَا لَا يَقْدِرُونَ قَدْرَهُ وَلَا يَعْرِفُونَ كُنْهَهُ وَأَمْرُهُ أَنْ يَجْعَلَ خَرَجَ الْأَرْضِ عَلَى مَا كَانَتْ تُجَبَّى عَلَيْهِ مِنْ قَبْلُ وَلَا يَنْتَقِصَ [منه] وَلَا يَتَدَعِ [فيه] ثُمَّ يَنْقَسِمُهُ بَيْنَ أَهْلِهِ كَمَا كَانُوا يَنْقَسِمُونَهُ عَلَيْهِ مِنْ قَبْلُ وَأَمْرُهُ أَنْ يُلِينَ لَهُمْ جَنَاحَهُ وَأَنْ يُسَاوِيَ بَيْنَهُمْ فِي مَجْلِسِهِ وَوَجْهِهِ وَلِيَكُنِ التَّقَرُّبُ وَالْأَبْعَدُ عِنْدَهُ فِي الْحَقِّ سَوَاءً وَأَمْرُهُ أَنْ يَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَأَنْ يَقُومَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَتَّبِعِ الْهَوَى وَلَا يَخَافَ فِي اللَّهِ لَوْمَةً لَائِمَةً فَإِنَّ اللَّهَ مَعَ مَنْ اتَّقَاهُ وَأَثَرُ طَاعَتِهِ عَلَى مَا سِوَاهُ وَالسَّلَامُ وَكَتَبَهُ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ أَبِي رَافِعٍ مَوْلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِعُزَّةٍ شَهْرِ رَمَضَانَ [سَنَةِ سِتٍّ وَثَلَاثِينَ] « (تقفي، بی تا: ۲۲۴/۱ و ۲۲۵).

نقل شده که محمد بن ابی بکر هنگامی که به مصر داخل شد نخست حکم حکومت خویش را برای مصریان خواند و پس از آن برای مصریان سخن آگاه کرد و حمد خدای به جای آورد و بر او ثنا خواند و سپس گفت:

«أما بعد فالحمد لله الذي هدانا وإياكم لما اختلف فيه من الحق، وبصرنا وإياكم كثيرا مما عَمِيَ عنه الجاهلون، ألا إن أمير المؤمنين ولاني أموركم، وعهد إلي بما سمعتم [وأوصاني بكثير منه مشافهة] ولن ألوكم خيرا ما استطعت، وما توفيقي إلا بالله عليه توكلت وإليه أئيب، فان يكن ما ترون من آثارى وأعمالي لله طاعة وتقوى فاحمدوا الله على ما كان من ذلك، فانه هو الهادي له، وان رأيتم من ذلك عملا بغير حق فادفعوه إلي وعاتبوني عليه، فاني بذلك أسعد، وأنتم بذلك جديرون، وفقنا الله وإياكم لصالح العمل برحمته» (تقفي، بی تا: ۲۲۶/۱).

۱/۲/۲. ریشه یابی متن عهد امیرالمؤمنین علی علیه السلام با محمد بن ابی بکر در نهج البلاغه

هرچند متن نهج البلاغه با عنوان (و من عهده علیه السلام إلى محمد ابن ابی بکر حین قلده مصر) با عهدنامه ی استانداری او که متن آن آورده شد، برخی شباهت های محتوایی دارد ولی تفاوت های زیادی نیز

دارد؛ متن نهج البلاغه حاوی موضوعات و توصیه‌های فراوانی است که برخی از آنها مانند توصیه‌هایی در مورد نماز، در متن حکم استناداری وجود ندارد. در متن نهج البلاغه از جمله به آموزه‌های زیر به‌طور شفاف پرداخته شده‌است:

- احکامی حکومتی و قضایی

«فَاخْفِضْ لَهُمْ جَنَاحَكَ وَالْأَنَّهُمْ جَانِبَكَ وَابْسُطْ لَهُمْ وَجْهَكَ وَآسِ بَيْنَهُمْ فِي اللَّحْظَةِ وَ النَّظَرَةِ حَتَّى لَا يَطْمَعَ الْعُظَمَاءُ فِي حَيْفِكَ لَهُمْ وَلَا يَتَّسِ الضَّعَفَاءُ مِنْ عَدْلِكَ بِهِمْ؛ فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُسَائِلُكُمْ مَعَشَرَ عِبَادِهِ عَنِ الصَّغِيرَةِ مِنْ أَعْمَالِكُمْ وَ الْكَبِيرَةِ وَ الظَّاهِرَةِ وَ الْمُسْتَوْرَةِ، فَإِنْ يُعَذِّبْ فَأَنْتُمْ أَظْلَمُ وَإِنْ يَغْفُ فَهُوَ أَكْرَمُ» (نامه ۲۷)

- سودمندی متقین از دنیا و آخرت

«وَأَعْلَمُوا عِبَادَ اللَّهِ أَنَّ الْمُتَّقِينَ ذَهَبُوا بِعَاجِلِ الدُّنْيَا وَ آجِلِ الْآخِرَةِ، فَشَارَكُوا أَهْلَ الدُّنْيَا فِي دُنْيَاهُمْ وَ لَمْ يُشَارِكُهُمْ أَهْلُ الدُّنْيَا فِي آخِرَتِهِمْ؛ سَكَنُوا الدُّنْيَا بِأَفْضَلِ مَا سَكَنْتَ وَ أَكَلُوهَا بِأَفْضَلِ مَا أَكَلْتَ، فَحَظُّوا مِنَ الدُّنْيَا بِمَا حَظِّي بِهِ الْمُتَرَفُّونَ وَ أَخَذُوا مِنْهَا مَا أَخَذَهُ الْجَبَّارَةُ الْمُتَكَبِّرُونَ؛ ثُمَّ اقْتَلَبُوا عَنْهَا بِالنَّارِ الْمُبْلَغِ وَ الْمُتَجَرِّ الرَّابِحِ، أَصَابُوا لَذَّةَ زُهْدِ الدُّنْيَا فِي دُنْيَاهُمْ وَ تَيَقَّنُوا أَنَّهُمْ جِيرَانُ اللَّهِ غَدًا فِي آخِرَتِهِمْ، لَا تُرَدُّ لَهُمْ دَعْوَةٌ وَ لَا يَنْقُصُ لَهُمْ نَصِيبٌ مِنْ لَذَّةٍ»

- تحذیر از موت

«فَاخْذَرُوا عِبَادَ اللَّهِ الْمَوْتَ وَ قُرْبَهُ وَ أَعِدُّوا لَهُ عُدَّتَهُ، فَإِنَّهُ يَأْتِي بِأَمْرِ عَظِيمٍ وَ خَطْبٍ جَلِيلٍ بِخَيْرٍ لَا يَكُونُ مَعَهُ شَرٌّ أَبَدًا أَوْ شَرٌّ لَا يَكُونُ مَعَهُ خَيْرٌ أَبَدًا؛ فَمَنْ أَقْرَبُ إِلَى الْجَنَّةِ مِنْ عَامِلِهَا وَ مَنْ أَقْرَبُ إِلَى النَّارِ مِنْ عَامِلِهَا. وَ أَنْتُمْ طُرْدَاءُ الْمَوْتِ، إِنْ أَقَمْتُمْ لَهُ أَخَذَكُمْ وَ إِنْ فَرَرْتُمْ مِنْهُ أَدْرَكَكُمْ وَ هُوَ أَلْزَمُ لَكُمْ مِنْ ظِلِّكُمْ، الْمَوْتُ مَعْفُودٌ بِتَوَاصِيكُمْ وَ الدُّنْيَا تُطْوَى مِنْ خَلْفِكُمْ»

- تحذیر از آتش

«فَاخْذَرُوا نَاراً قَعْرُهَا بَعِيدٌ وَ حَرُّهَا شَدِيدٌ وَ عَذَابُهَا جَدِيدٌ، دَارٌ لَيْسَ فِيهَا رَحْمَةٌ وَ لَا تُسْمَعُ فِيهَا دَعْوَةٌ وَ لَا تَفْرَجُ فِيهَا كُرْبَةٌ»

- خوف همراه با حُسن ظنّ به خداوند (عزوجل)



«وَإِنْ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ يَشْتَدَّ خَوْفُكُمْ مِنَ اللَّهِ وَ أَنْ يَحْسَنَ ظَنُّكُمْ بِهِ فَاجْمَعُوا بَيْنَهُمَا، فَإِنَّ الْعَبْدَ إِنَّمَا يَكُونُ حَسَنُ ظَنِّهِ بِرَبِّهِ عَلَى قَدَرِ خَوْفِهِ مِنْ رَبِّهِ، وَإِنْ أَحْسَنَ النَّاسُ ظَنًّا بِاللَّهِ أَشَدُّهُمْ خَوْفًا لِلَّهِ»

- اولویت رضای الهی بر هر چیز دیگر

«وَاعْلَمْ يَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي بَكْرٍ أَنِّي قَدْ وَلَّيْتُكَ أَعْظَمَ أَجَنَادِي فِي نَفْسِي أَهْلَ مِصْرٍ، فَأَنْتَ مُحَقَّقٌ أَنْ تُخَالِفَ عَلَى نَفْسِكَ، وَأَنْ تُنَافِحَ عَنْ دِينِكَ وَ لَوْ لَمْ يَكُنْ لَكَ إِلَّا سَاعَةٌ مِنَ الدَّهْرِ. وَلَا تُسْخِطِ اللَّهَ بِرِضَا أَحَدٍ مِنْ خَلْقِهِ، فَإِنَّ فِي اللَّهِ خَلْفًا مِنْ غَيْرِهِ وَ لَيْسَ مِنَ اللَّهِ خَلْفٌ فِي غَيْرِهِ»

- توصیه به نماز در وقت

«صَلِّ الصَّلَاةَ لَوْ قَتَلَهَا الْمُوَقَّتُ لَهَا وَ لَا تُعَجِّلْ وَقْتُهَا لِقَرَاغٍ وَ لَا تُؤَخِّرْهَا عَنْ وَقْتُهَا لِاشْتِغَالٍ، وَ اعْلَمْ أَنَّ كُلَّ شَيْءٍ مِنْ عَمَلِكَ تَبِعُ لِصَلَاتِكَ»

- مقایسه چند گروه از جمله امام هدایت و امام ضلالت

«فَإِنَّهُ لَا سَوَاءَ إِمَامُ الْهُدَى وَ إِمَامُ الرَّدَى وَ وَلِيُّ النَّبِيِّ وَ عَدُوُّ النَّبِيِّ وَ لَقَدْ قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) إِنِّي لَا أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي مُؤْمِنًا وَ لَا مُشْرِكًا، أَمَّا الْمُؤْمِنُ فَيَمْتَنِعُهُ اللَّهُ بِإِيمَانِهِ وَ أَمَّا الْمُشْرِكُ فَيَقْتَمِعُهُ اللَّهُ بِشُرْكِهِ، وَ لَكِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ كُلَّ مُنَافِقٍ الْجَنَانِ عَالِمِ اللِّسَانِ، يَقُولُ مَا تَعْرِفُونَ وَ يَفْعَلُ مَا تَنْكُرُونَ»

سؤال این است که مطالبی که در این متن وجود دارد و در عهدنامه استانداری نیست، از کدام متن است؟ براساس برخی از متون قبل از نهج البلاغه، این مطالب از یک نامه جامعی است که امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) آن را در پی درخواست محمد بن ابی بکر نوشته است و بخشهایی از آن در نهج-البلاغه آمده است.

۳. نامه جامع امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) به محمد بن ابی بکر

نقل است که وقتی محمد بن ابی بکر کارگزار امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در مصر بود، نامه‌ای به حضرت علی (علیه السلام) نوشت و از وی در مورد حلال و حرام و سنتها پرسید و از او خواستار راهنمایی و اندرز شد و متن نامه چنین بود:

«لَعَبْدُ اللَّهِ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي بَكْرٍ: سَلَامٌ عَلَيْكَ يَا أَحْمَدَ إِلَيْكَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، أَمَا بَعْدُ فَإِنَّ رَأْيَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ - أَرَانَا اللَّهُ وَجَمَاعَةَ الْمُسْلِمِينَ فِيهِ أَفْضَلُ سُرُورِنَا



وَأَمَلْنَا فِيهِ - أَنْ يَكْتُبَ لَنَا كِتَابًا فِيهِ فَرَائِضُ وَأَشْيَاءُ مِمَّا يَيْتَلَى بِهِ مِثْلِي مِنَ الْقَضَاءِ بَيْنَ النَّاسِ فَعَلْ، فَاِنَّ اللَّهَ يَعْظُمُ لَا مِيزَ الْمُؤْمِنِينَ الْأَجْرَ وَيَحْسَنُ لَهُ الذِّكْرَ» (ثقفی، بی تا: ۲۲۷/۱).

علی علیه السلام نیز نامه‌ی وی را اجابت گفت:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، مِنْ عَبْدِ اللَّهِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ - عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام إِلَى مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي بَكْرٍ وَأَهْلِ مِصْرَ، سَلَامٌ عَلَيْكُمْ فَاِنِّي أَحْمَدُ إِلَيْكُمْ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، أَمَّا بَعْدُ فَقَدْ وَصَلْتُ إِلَى كِتَابِكَ فَقَرَأْتَهُ وَفَهَمْتُ مَا سَأَلْتَنِي عَنْهُ وَأَعْجَبَنِي اهْتِمَامُكَ بِمَا لَا يَدُ لَكَ مِنْهُ وَمَا لَا يَصْلُحُ الْمُسْلِمِينَ غَيْرُهُ، وَظَنَنْتُ أَنَّ الَّذِي دَلَّكَ عَلَيْهِ نِيَّةُ صَالِحَةٍ وَرَأْيٌ غَيْرِ مَدْخُولٍ وَلَا خَسِيسٍ وَقَدْ بَعَثْتُ إِلَيْكَ أَبْوَابَ الْأَقْضِيَةِ جَامِعًا لَكَ فِيهَا وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ وَحَسْبُنَا اللَّهُ وَنَعْمَ الْوَكِيلُ» (ثقفی، بی تا: ۲۲۷/۱ و ۲۲۸).

متن جامع موردنظر (البته با اختلافاتی) در چندمتن غیر از نهج البلاغه روایت شده است. در این - بخش به شش متن اشاره خواهد شد که سه متن از آنها قطعاً قبل از نهج البلاغه (۴۰۰ قمری) نوشته شده و سه متن نیز، نزدیک زمان نگارش نهج البلاغه تألیف شده است:

- متن اول: الغارات ابواسحاق ثقفی (متوفی ۲۸۳ قمری)

در الغارات ثقفی (که سالیان زیادی قبل از نهج البلاغه نوشته شده) چند متن و سند در مورد این نامه جامع وجود دارد:

الف) در یک گزارش اجمالی از این نامه جامع، حارث بن کعب از پدر خود روایت کرده هنگامی - که محمد بن ابی بکر، کارگزار امیرالمؤمنین علی علیه السلام در مصر بوده، برای ایشان نامه‌ای می نویسد و از وی درخواست می کند که اگر صلاح می داند، متنی برای آنان بنویسد که فرائض و امور مُبتلا به یک کارگزار مانند او، در مورد قضاوت میان مردم در آن آمده باشد. امیرالمؤمنین نیز به درخواست وی جواب مثبت می دهد. براساس نقل حارث بن کعب در الغارات، این متن حاوی موضوعاتی مانند قضاوت، ذکر مرگ و حساب الهی، کیفیت بهشت و جهنم، امامت در نماز، وضو، اوقات نماز، رکوع و سجود، ادب، امر به معروف و نهی از منکر، روزه و اعتکاف، زنا دقه، حکم مرد نصرانی که با یک زن مسلمان زنا کند و موضوعات فراوان دیگری بوده است (ثقفی، بی تا: ۲۲۳-۲۲۸). حارث بن کعب در رجال شیخ طوسی از اصحاب حضرت سجاد شمرده شده است (طوسی، ۱۳۷۳: ۱۱۲).



ب) براساس متون دیگری در الغارات ثقفی، بخشهای زیادی از این نامه‌ی جامع، از شخصی به نام عبّابه بن رفاعه نقل شده‌است؛ عبّابه بر اساس رجال شیخ طوسی، از راویان امیرالمؤمنین علی علیه السلام بوده‌است (طوسی، ۱۳۷۳: ۷۲). ابواسحاق ثقفی در الغارات، این متون را از یحیی بن صالح از مالک بن خالد اسدی از حسن بن ابراهیم از عبدالله بن حسن بن حسن بن علی ابن ابی طالب علیه السلام از عبّابه بن رفاعه نقل کرده است (ثقفی، بی‌تا: ۲۲۸/۱ و ۲۲۹).

ج) بعد از اینکه ابواسحاق ثقفی متنی از این نامه را با سند خود از عبّابه بن رفاعه نقل می‌کند، سند دیگری نیز برای این نامه ذکر می‌کند که عبدالله بن محمد بن عثمان از علی بن محمد بن ابی - سیف [احتمالاً ابی سعید] از اصحابش [فضیل بن جعد از ابواسحاق همدانی] است. براساس این نقل در الغارات، وقتی امام علی علیه السلام این جواب را برای محمد بن ابی بکر می‌فرستد، وی آن را مطالعه می‌کند و یاد می‌گیرد و براساس آن قضاوت می‌کند، تا هنگامی که دستگیر و کشته می‌شود عمرو بن العاص نامه‌های او را ضبط کرده و به‌سوی معاویه می‌فرستد؛ معاویه در این نامه نظر می‌کند و از آن خوشش می‌آید. هنگامی که ولید بن عقبه خُرسندی معاویه را می‌بیند، به او پیشنهاد می‌دهد که نامه را بسوزاند ولی معاویه از پیشنهاد ولید بن عقبه سر باز می‌زند. ولید به معاویه می‌گوید آیا مصلحت است که مردم بفهمند احادیث ابوتراب در نزد توست که از آنها می‌آموزی و به حُکم او قضاوت می‌کنی؟ پس چرا با او جنگ کردی؟ معاویه جواب می‌دهد: وای بر تو، آیا مرا می‌گویی که چنین علمی را بسوزانم؟ قسم به خداوند که علمی جامع‌تر و محکم‌تر و واضح‌تر از آن نشنیده‌ام. ولید گفت اگر تو را از علم و قضاوت او خوش می‌آید، چرا با او جنگ کردی؟ معاویه جواب می‌دهد: اگر ابوتراب، عثمان را نکشته بود و به ما فتوا می‌داد از او قبول می‌کردیم. سپس اندکی ساکت می‌ماند و بعد از آن به هم‌نشینانش نگاه کرده و می‌گوید: نمی‌گوئیم که اینها از نوشته‌های علی بن ابی طالب علیه السلام است و می‌گوئیم که از نوشته‌های ابوبکر است که نزد پسرش محمد بن ابی بکر بوده و ما با آن قضاوت می‌کنیم و به آن فتوا می‌دهیم. همچنان آن متون در خزائن بنی امیه بود تا اینکه عمر بن عبدالعزیز خلیفه شد و او بود که آشکار کرد که آنها از احادیث علی بن ابی طالب علیه السلام است (ثقفی، بی‌تا: ۲۳۱/۱-۲۵۲).

- متن دوم: نزهة الأبصار و محاسن الآثار ابوالحسن مامطیری



این کتاب که نوشته عالمی زیدی از سرزمین طبرستان بوده است، قبل از نهج البلاغه نوشته شده و نویسنده آن قبل از سال نگارش نهج البلاغه (۴۰۰ ق) وفات کرده است. نامه جامع موردنظر در این کتاب از ابومخنف نقل شده است و ابومخنف از سلیمان بن ابی راشد اسدی از عبدالرحمن بن عبید نقل کرده که محمد بن ابی بکر برای امیرالمؤمنین نامه ای نوشت و از او درخواست کرد که برای او سخنان جامعی در مورد حلال و حرام و سنن و مواعظ بنویسد و این هنگامی بود که وی در مصر عامل علی علیه السلام بود (مأمطیری، ۱۴۳۰ ق: ۲۶۴-۲۶۶).

- متن سؤم: تُحْفُ الْعُقُولِ ابْنِ شُعْبَةَ حَرَّانِي

ابن شعبه در کتاب تُحْفُ الْعُقُولِ هم عهدنامه استانداری و هم گونه ای از نامه جامع امام علی علیه السلام به محمد بن ابی بکر را آورده است ولی منبع خود را ذکر نکرده و برای هیچ کدام سندی تا امیرالمؤمنین علی علیه السلام بیان نکرده است و ابن شعبه به صراحت بیان کرده که نامه به اهل مصر (همان نامه جامع) را به صورت مختصر آورده است (ابن شعبه، ۱۴۰۴ ق: ۱۷۶-۱۸۰).

- متن چهارم: الإِعتبار و سلوه العارفین جرجانی (متوفی ۴۳۰ قمری)

متن موردنظر در این کتاب نیز از ابومخنف نقل شده است و تقریباً با متن نُزْهَةِ الْأَبْصَارِ مَاطَطِيرِي مشابه است. سند نقل شده در الإِعتبار با سند نقل شده در نُزْهَةِ الْأَبْصَارِ یکسان است الا اینکه در الإِعتبار به جای (سلیمان بن ابی راشد) نام (سلمان بن ابی راشد) آمده است (جرجانی، ۲۰۰۱ م: ۴۲۵-۴۳۴).

- متن پنجم: امالی شیخ مفید

سند نقل شده در امالی شیخ مفید که در آن ابواسحاق ثقفی (صاحب الغارات) نیز وجود دارد، به ابواسحاق همدانی می رسد:

«قال أخبرني أبو الحسن علي بن محمد بن حبيش الكاتب قال أخبرني الحسن بن علي النعماني قال أخبرني أبو إسحاق إبراهيم بن محمد الثقفي قال حدثنا عبد الله بن محمد بن عثمان قال حدثنا علي بن محمد بن أبي سعيد عن فضيل بن الجعد عن أبي إسحاق الهمداني قال لما ولي أمير المؤمنين علي بن أبي طالب ع محمد بن أبي بكر مصر وأعمالها كتب له كتاباً وأمره أن يقرأه على أهل مصر وليعمل بما وصاه به فيه فكان الكتاب بسم الله الرحمن الرحيم من عبد الله أمير

المؤمنين علي بن أبي طالب إلى أهل مصر و محمد بن أبي بكر سلام عليكم...» (مفيد، ۱۴۱۳ق: ۲۶۹-۲۶۰).

- متن ششم: امالی شیخ طوسی

شیخ طوسی متن موردنظر را از شیخ مفید نقل کرده و سند شیخ طوسی با سند شیخ مفید یکسان است و به ابواسحاق همدانی می‌رسد (طوسی، ۱۴۱۴ق: ۲۴-۳۱).

۱/۳. تفاوت متون نامه جامع امیرالمؤمنین علی علیه السلام به محمد بن ابی‌بکر

مقایسه نامه جامع امیرالمؤمنین علی علیه السلام در متون ذکرشده نشان می‌دهد که هرچند این متون، مشترکات زیادی با هم دارند ولی موارد اختلافی نیز وجود دارد که در ادامه به تعدادی از این موارد اختلاف اشاره می‌شود:

الف- متون نقل شده در الغارات ابواسحاق ثقفی و امالی شیخ مفید و تحف العقول حزانی، بخش ابتدائی در مورد قضاوت را ندارد. البته در صدر گزارش اجمالی ابواسحاق ثقفی از این نامه، به موضوع قضاوت اشاره شده است ولی در بخش ابتدائی هیچ‌یک از متون نقل شده در الغارات، خبری از موضوع قضاوت نیست، ولی متون نقل شده در الإعتبار جرجانی و نزهة الأبصار مامطیری که از ابومخنف نقل شده است، بخش مربوط به قضاوت را دارد. در نهج البلاغه نیز قطعه‌هایی از بخش مربوط به قضاوت آورده شده است.

ب- در بخشی از این نامه جامع، در مورد اقسام عمل مؤمن صحبت شده است و یک تقسیم‌بندی سه‌گانه از عمل مؤمن ارائه شده است. این بخش در تحف العقول حزانی و نهج البلاغه نیامده است ولی در متون دیگر آمده است. البته کیفیت نقل در الغارات و امالی، تفاوت زیادی با الإعتبار و نزهة الأبصار دارد که در ادامه یک متن از هر دو گروه آورده می‌شود:

- امالی شیخ مفید:

«اعلموا يا عباد الله إن المؤمن يعمل ثلاثاً من الثواب إما لخير الدنيا فإن الله يثيبه بعمله في دنياه قال الله سبحانه لإبراهيم (وَآتَيْنَاهُ أَجْرَهُ فِي الدُّنْيَا وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ) فمن عمل لله تعالى أعطاه أجره في الدنيا والآخرة وكفاه المهم فيهما وقد قال الله عز وجل (يا عباد



الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةً وَأَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةٌ إِنَّمَا يُوَفَّى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ) فما أعطاهم الله في الدنيا لم يحاسبهم به في الآخرة قال الله عز وجل (لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا الْهُنَى وَزِيَادَةٌ) فالحسنى هي الجنة والزيادة هي الدنيا وإما لخير الآخرة فإن الله عز وجل يكفر بكل حسنة سيئة قال الله عز وجل (إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ ذَلِكَ ذِكْرَى لِلذَّاكِرِينَ) حتى إذا كان يوم القيامة حسبت لهم حسناتهم ثم أعطاهم بكل واحدة عشر أمثالها إلى سبعمائة ضعف قال الله عز وجل (جَزَاءٌ مِّن رَّبِّكَ عَطَاءٌ حِسَابًا) وقال (فَأُولَئِكَ لَهُمْ جَزَاءُ الضَّعْفِ بِمَا عَمِلُوا وَهُمْ فِي الْغُرَفَاتِ آمِنُونَ) فارغبوا في هذا رحمكم الله واعملوا له وتحاضوا عليه» (مفيد، ۱۴۱۳ق: ۲۶۲ و ۲۶۳).

- الإعتبار جرجانی:

«واعلموا عباد الله أن المؤمن يعمل بثلاث خصال من الأعمال منها ليثاب في الأولى والأخرى، والله يثيبه بعمله في دنياه وآخرته قال الله تعالى لإبراهيم (وَأَتَيْنَاهُ أَجْرَهُ فِي الدُّنْيَا وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ) وإما ليكفر عنه سيئاته بكل حسنة سيئة يقول الله تعالى (إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ) فإذا كان يوم القيامة حسبت حسناته، ثم أعطوا بكل واحدة عشر أمثالها إلى سبع مائة ضعف. قال الله تعالى (فَأُولَئِكَ لَهُمْ جَزَاءُ الضَّعْفِ بِمَا عَمِلُوا وَهُمْ فِي الْغُرَفَاتِ آمِنُونَ) فارغبوا عباد الله فيما رغبكم ورغبوا فيه واعملوا به وتحاضوا عليه» (جرجانی، ۲۰۰۱م: ۴۲۷).

ج- کیفیت وضو در امالی شیخ مفید با کیفیت وضو در الغارات و الإعتبار و نزهه الناظر تفاوتهای دارد و در امالی شیخ مفید، مسح پا آمده است لیکن در سه کتاب دیگر، شستن پا آمده است. کیفیت وضو در تحف العقول و نهج البلاغه نیامده است.

د- در اواخر نامه، هفت توصیه به عنوان (جوامع الإسلام) مطرح شده که این بخش با تفاوتهای در همهی متون ذکر شده وجود دارد ولی در نهج البلاغه نیست. البته در برخی از متون مانند تحف- العقول، تعداد توصیه ها از هفت عدد فراتر میرود! هفت توصیه بر اساس امالی مفید چنین است:

«إني أوصيك بسبع هن جوامع الإسلام تخشى الله عز وجل ولا تخشى الناس في الله و خير القول ما صدقه العمل ولا تقض في أمر واحد بقضاءين مختلفين فيختلف أمرك وترى عن الحق وأحب لعامة رعيتك ما تحب لنفسك وأهل بيتك وأكره لهم ما تكره لنفسك وأهل بيتك



فإن ذلك أوجب للحجة وأصلح للرعية وخض الغمرات إلى الحق ولا تخف في الله لومة لائم و
أنصح المرء إذا استشارك واجعل نفسك أسوة لقريب المسلمين وبعيدهم» (مفید، ۱۴۱۳ق:
۲۶۸ و ۲۶۹).

۲/۳. کیفیت نقل نامه جامع حضرت علی علیه السلام در نهج البلاغه و شناسایی منبع سیدرضی

مقایسه متن نهج البلاغه به عنوان (من عهدہ إلى محمد بن ابی بکر...) با نامه جامع
امیرالمؤمنین علی علیه السلام به محمد بن ابی بکر کاملاً آشکار می‌کند که متن نهج البلاغه از نامه جامع
امیرالمؤمنین علی علیه السلام أخذ شده است؛ هرچند بخش‌های کمی از این متن جامع در نهج البلاغه
مُنعکس شده است ولی تمام این بخش‌ها در نامه جامع موجود است. هرچند سیدرضی منبع خود را بیان
نکرده است ولی با مقایسه‌ی نحوه نقل نهج البلاغه از این متن با شش متنی که معرفی شد، به این نتیجه
می‌رسیم که متن نهج البلاغه اختلافات بیشتری با متن الغارات و امالی شیخ مفید دارد و مشترکات
بیشتری با متن نقل شده از ابومخنف دارد و منبع سیدرضی در نقل این متن، احتمالاً متن ابومخنف
بوده است؛ این مطلب کاملاً از موضوع ابتدائی نامه مشخص است. بخش ابتدائی متن نهج البلاغه از
این نامه در ارتباط با قضاوت است و در همه نقلها از ابومخنف نیز، اولین موضوع بعد از توصیه به تقوا،
بحث قضاوت است؛ در بخشی از ابتدای نامه براساس متن نُزْهَة الْأَبْصَار آمده است:

«أما بعد فَعَلَيْكَ بِتَقْوَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ تَقِيَمُكَ وَتَعْدِيكَ وَعَلَانِيَتِكَ فَإِذَا قَضَيْتَ بَيْنَ
الْخَصَمَيْنِ فَاقْضِ بِمَا فِي كِتَابِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ فَإِنْ هُوَ لَمْ يَتَّبِعْ لَكَ فَعَلَيْكَ بِسُنَّةِ رَسُولِهِ فَإِنْ لَمْ تَجِدْ
فِيهَا فَاقْضِ بِمَا قَضَى بِهِ الصَّالِحُونَ مِنْ أَسْلَافِكَ فَإِنْ لَمْ تَجِدْ فَاسْتَشِرْ فِيهِ إِخْوَانَكَ مِنْ ذَوِي الرَّأْيِ
فَإِنَّ الْقَضَاءَ فَرِيضَةٌ مُحْكَمَةٌ نَزَلَتْ بِهَا الْقُرْآنُ مِنْ عِنْدِ الرَّحْمَنِ وَ سُنَّةُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ
وَآلِهِ فَإِذَا قَضَيْتَ بَيْنَ النَّاسِ فَاخْفِضْ لَهُمْ جَنَاحَكَ...» (مامطیری، ۱۴۳۰ق: ۲۶۸).

جالب است که متن منقول در نهج البلاغه با تقطیعی از همین بخش ابتدایی شروع می‌شود:
(فَاخْفِضْ لَهُمْ جَنَاحَكَ) و از آغاز کلام با حرف (فاء) کاملاً مشخص می‌شود که قبل از آن مطالبی بوده است.

۳/۳. حوزه‌های معرفتی نامه جامع امیرالمؤمنین علی علیه السلام به محمد بن ابی بکر

حوزه‌های معرفتی متعددی در این نامه جامع وجود دارد که در ادامه به برخی از این حوزه‌ها اشاره
خواهد شد:

مطالب متعدّد فقهی در این نامه جامع مطرح شده است که از برخی از آنها می توان در راستای حلّ و فصل برخی اختلافات فقهی استفاده کرد.

۱/۱/۳/۳. فقه قضائی

مطالب متعدّد قضائی چه از منظر اصول و قواعد قضاوت و چه از منظر کیفیت رفتار با طرفهای دارای اختلاف، در صدر این نامه ذکر شده است:

«إِذَا قُضِيَ بَيْنَ الْخَصْمَيْنِ فَاقْضِ بَمَا فِي كِتَابِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى، فَإِنْ لَمْ يَتَبَيَّنْ لَكَ فَعَلَيْكَ بِسُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، فَإِنْ لَمْ تَجِدْ فِيمَا فِيهَا فَاقْضِ بَمَا قَضَى الصَّالِحُونَ مِنْ أَسْلَافِكَ، فَإِنْ لَمْ تَجِدْ فَاسْتَشِرْ فِيهِ إِخْوَانَكَ مِنْ ذَوِي الرَّأْيِ وَالْوَرَعِ، وَاجْتَهِدْ مَعَهُمْ رَأْيَكَ، ثُمَّ امْضِ قَضَاءَكَ، فَإِنْ الْقَضَاءُ فَرِيضَةٌ مُحْكَمَةٌ نَزَلَ بِهَا الْقُرْآنُ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ تَعَالَى، وَسُنَّةُ سَنَّتِهَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، فَإِذَا قُضِيَ بَيْنَ النَّاسِ فَاخْفُضْ لَهُمْ جَنَاحَكَ، وَلِيِّنْ لَهُمْ جَانِبَكَ، وَابْسُطْ لَهُمْ وَجْهَكَ، وَوَاسِ بَيْنَهُمْ بِاللِّحْظَةِ وَالنَّظَرَةِ، حَتَّى لَا يَطْمَعَ الْعِظْمَاءُ فِي حَيْفِكَ لَهُمْ وَلَا يَبْأَسَ الضُّعَفَاءُ مِنْ عَدْلِكَ عَلَيْهِمْ، وَأَنْ تَسْأَلَ الْمُدَّعِيَ الْبَيِّنَةَ، وَعَلَى الْمُدَّعَى عَلَيْهِ الْيَمِينَ، فَمَنْ صَالَحَ أَخًا صِلْهُ فَاجْزِ لَهُ صِلْهُ، إِلَّا أَنْ يَكُونَ صِلْهُ يَحِلُّ حَرَامًا أَوْ يَحْرِمُ حَلَالًا» (جرجانی، ۲۰۰۱م: ۴۲۶).

در این نامه از قضاوت مُتَشَتَّت توسط قاضی نهی شده است:

«لَا تَقْضِ فِي أَمْرٍ وَاحِدٍ بِقَضَائَيْنِ فَيَخْتَلِطَ عَلَيْكَ أَمْرُكَ وَيَزِلَّكَ عَنِ الْحَقِّ» (جرجانی، ۲۰۰۱م: ۴۳۴).

۲/۱/۳/۳. فقه سیاسی

فقه سیاسی یکی از شاخه های فقه است که در دوران معاصر توجّه خاصی به آن مبذول شده است. این نامه جامع در راستای شناخت قواعد فقه سیاسی و احکام فقه سیاسی بسیار قابل توجّه است. به برخی از آموزه های این نامه جامع که جنبه سیاسی نیز دارد اشاره خواهد شد:

«وَاعْلَمْ يَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي بَكْرٍ: أَنِّي قَدْ وَلَيْتُكَ أَعْظَمَ أَجْنَادِي فِي نَفْسِي أَهْلَ مِصْرَ، فَإِذَا وَلَيْتُكَ مَا وَلَيْتُكَ مِنْ أَمْرِهِمْ، فَأَنْتَ مُحَقَّقٌ أَنْ لَا تَخَالَفَ فِيهِ عَلَيَّ نَفْسَكَ، وَأَنْ تَحْذَرَ فِيهِ عَلَيَّ دِينَكَ،



وإن لم تكن إلا ساعة من الدهر فإن استطعت أن لا تسخط ربك برضى أحد من خلقه فافعل، فإن في الله خلفاً من غيره، وليس شيء خلفاً من الله، شدّ على الظالم وجدّ عليه، لاين أهل الخير وقربهم واجعلهم بطانتك واخوانك» (جرجانی، ۲۰۰۱م: ۴۳۱).

- «أحب لعامة رعيتك ما تحب لنفسك وأهل بيتك واکره لهم ما تکره لنفسك وأهل بيتك فإن ذلك أوجب للحجة وأصلح للمرعية وخض الغمرات إلى الحق ولا تخف في الله لومة لائم وأنصح المرء إذا استشارك واجعل نفسك أسوة لقريب المسلمين وبعيدهم» (مفيد، ۱۴۱۳ق: ۲۶۹).

۳/۱/۳. فقه عبادی

موضوعات متعدّدی از فقه عبادی مانند کیفیت وضو، اوقات نماز، رکوع و سجود، نمازجماعت و اعتکاف در این نامه مطرح شده است که برای نمونه به موضوع رکوع و سجود اشاره خواهد شد:

- «ثم انظر ركوعك وسجودك فإن رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم كان من أتم الناس ركوعاً وسجوداً وأخفهم لذلك كان إذا ركع قال: سبحان ربي العظيم. ثلاث مرات، وإذا رفع صلبه قال: سمع الله لمن حمده. وقال: ربنا لك الحمد ملء السموات، وملء الأرض، وملء ما شئت من شيء بعد. ثم يكبر فإذا سجد قال: سبحان ربي الأعلى ثلاث مرات» (جرجانی، ۲۰۰۱م: ۴۳۲).

۲/۳/۳. معارف اعتقادی

مطالب متعدّد اعتقادی از جمله عذاب قبر و برزخ، پاداش و عقاب روز جزا و نعمات بهشتی در این نامه جامع مطرح شده است که برای نمونه به موضوع عذاب قبر اشاره خواهد شد:

- «واعلموا عباد الله: أن ما بعد الموت لمن لم يغفر الله له ويرحمه أشد من الموت: عذاب القبر فاحذروا ضيقه وظلمته، وغرته. إن القبر يتكلم فيقول: أنا بيت الوحدة، أنا بيت الغربة، أنا بيت الدود، أنا بيت التراب، وإنما القبر روضة من رياض الجنة أو حفرة من حفر النيران» (جرجانی، ۲۰۰۱م: ۴۲۸).

۳/۳/۳. معارف اخلاقی

معارف اخلاقی متعدّدی از جمله توصیه گسترده به تقوا، تحذیر از موت و سكرات موت، خوف از خداوند همراه با حسن ظنّ به خداوند، خیرخواهی در زمان مشورت، مشاركت متّقین با دنیاطلبان در استفاده از دنیا، در این نامه جامع مطرح شده است که به دو مورد اشاره خواهد شد:

ازجمله آموزه‌های اسلامی، همراهی (امید به رحمت الهی) با (ترس از عذاب الهی) است که با تعبیری مانند خوف و رجا بیان شده است؛ در قرآن کریم نیز در بسیاری از مواضع، عقاب الهی در کنار غفران الهی ذکر شده است و زمینه را برای خوف و رجا فراهم می‌کند:

- (نَبِّئْ عِبَادِي أَنِّي أَنَا الْغَفُورُ الرَّحِيمُ* وَأَنَّ عَذَابِي هُوَ الْعَذَابُ الْأَلِيمُ) (الحجر: ۴۹ و ۵۰)

- (... إِنَّ رَبَّكَ سَرِيعُ الْعِقَابِ وَإِنَّهُ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ) (الأنعام: ۱۶۵)

در نامه‌جامع نیز مطالب جالبی مرتبط با خوف و رجا مطرح شده است:

«فلولا أن الله سبحانه لم يخوفنا إلا ببعض ما خوفنا من الشر، ولم يشوقنا إلا ببعض ما شوقنا إليه من الخير لکننا محقّقین أن یشتد خوفنا مما لا طاقة لنا به ولا صبر لنا علیه، وأن یشتد شوقنا إلى ما لا غنى لنا عنه ولا بد لنا منه، فإن استطعتم أن یشتد خوفکم من ربکم وأن یحسن به ظنکم، فافعلوا فإن العبد إنما یكون حسن ظنه بربه علی قدر خوفه، فإن أحسن الناس ظناً بالله سبحانه أشدهم خوفاً له» (جرجانی، ۲۰۰۱ م: ۴۳۰ و ۴۳۱).

۲/۳/۳. بهره‌مندی متّقین از دنیا

جایگاه دنیا و نحوه تعامل مؤمنان و متّقیان با دنیا و نحوه و میزان استفاده آنان از مواهب دنیوی ازجمله مباحث مهم در اخلاق اسلامی است. از مباحث مرتبط با این موضوع می‌توان مباحث زُهد و قناعت را نام برد. قابل ذکر است که زُهد، جایگاه خاصی در حوزه تصوّف دارد و اندیشه‌ها و عملکردهای افراطی در تصوّف در زمینه‌ی زُهد، قابل انکار نیست. در نامه جامع امیرالمؤمنین علی علیه السلام به محمد بن ابی بکر فرازی جالب در ارتباط با دنیا وجود دارد که در راستای معرّفی زُهد مثبت و تقد زُهد منفی بسیار قابل توجّه است:

- «واعلموا أن المتّقین ذهبوا بعاجل الخیر وآجله، وشاركوا أهل الدنيا في دنياهم ولم یشاركهم أهل الدنيا في آخرتهم. قال الله تعالى: (قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ) وسكنوا الدنيا بأفضل ما سکنت، وأكلوها بأفضل ما أكلت، شاركوا أهل الدنيا في دنياهم، فأكلوا معهم من طيبات ما يأكلون، وشربوا من أفضل ما یشرّبون، ولبسوا من أفضل ما یلبسون، وسكنوا من أفضل ما یسکنون، وتروّدوا بأفضل ما یتروّدون، وركبوا أفضل



ما یرکبون وأصابوا لذة أهل الدنيا في دنياهم مع أنهم جيران الله غداً، يتمنون عليه لا یرد لهم دعوة، ولا ینقص لهم نصیب، ففي هذا عباد الله ما یشتاق إليه من كان له عقل» (جرجانی، ۲۰۰۱ م: ۴۲۷).

۴. نتیجه‌گیری

- در نهج البلاغه در بخش نامه‌ها متنی با عنوان (و من عهدہ علیه السلام إلى محمد بن ابی بکر حین قلّده مصر) آمده است که در اصل عهدنامه و حکم سیاسی استانداری محمد بن ابی بکر نیست؛ این متن در اصل بخشی از یک نامه جامعی است که امیرالمؤمنین علیه السلام در پی درخواست محمد بن ابی بکر، برای وی نوشته است و بخش‌هایی از آن در نهج البلاغه منعکس شده است.

- نامه جامع امیرالمؤمنین علیه السلام به چند طریق در کتاب‌های قبل از نهج البلاغه نقل شده است که در برخی از این کتاب‌ها، سند متن به ابومخنف می‌رسد که یکی از استوانه‌های اهل اخبار است و با مقایسه این متون، به این نتیجه می‌رسیم که متن نهج البلاغه به احتمال زیاد، از یکی از کتاب‌های ابومخنف گزینش شده است.

- متن اصلی نامه جامع امیرالمؤمنین علیه السلام نسبت به متن نقل شده در نهج البلاغه، حجم بسیار بیشتری دارد و متن نهج البلاغه با تقطیعی از بخش ابتدائی این نامه در مورد قضاوت شروع می‌شود. - برخی اختلافات مذهبی مانند کیفیت وضو، در شیوه نقل این نامه در برخی از کتاب‌ها، اثرگذار بوده است.

- نامه جامع امیرالمؤمنین علیه السلام به محمد ابن ابی بکر شامل حوزه‌های معرفتی متعددی از جمله اعتقادات و فقه و اخلاق می‌شود و می‌تواند در شناخت منظومه فکری امام علیه السلام بسیار کارآمد باشد.

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه، ۱۳۷۷ ش، سیدرضی، محمدبن حسین، ترجمه: جعفر شهیدی، چاپ سیزدهم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

۱. ابن اُعثم، محمدبن علی، ۱۳۷۲ ش، الفتوح، ترجمه: محمدبن احمد مستوفی، تصحیح: غلامرضا طباطبائی، چاپ اول، تهران: شرکت انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.

۲. ابن سعد، ۱۹۶۸ م، الطبقات الکبری، تحقیق: احسان عباس، چاپ اول، بیروت: دار صادر.

۳. بلاذری، احمدبن یحیی، (بی تا)، أنساب الأشراف، تحقیق: محمدباقر محمودی، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.

۴. ثقفی، ابراهیم، (بی تا)، الغارات، تحقیق محدث ارموی، چاپ دوم، تهران: انجمن آثار ملی.

۵. جرجانی، حسین بن اسماعیل، ۲۰۰۱ م، الإعتبار و سلوه العارفين، بی تا: مؤسسه الإمام زیدبن علی علیه السلام الثقافیه.

۶. حرّانی، حسین بن علی، ۱۴۰۴ ق، تحف العقول، تصحیح: علی اکبر غفاری، چاپ دوم، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.

۷. خوئی، ابوالقاسم، ۱۴۰۹ ق، معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرواه، چاپ چهارم، قم: دفتر آیت الله خوئی.

۸. طوسی، محمدبن حسن، ۱۳۷۳ ش، رجال الطوسی، چاپ سوم، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.

۹. طوسی، محمدبن حسن، ۱۴۱۴ ق، الأمالی، قم: انتشارات دارالثقافه.

۱۰. طوسی، محمدبن حسن، ۱۴۲۹ ق، اختیار معرفه الرجال، چاپ ششم، تهران: مرکز نشر آثار علامه مصطفوی.

۱۱. مامطیری، علی بن مهدی، ۱۴۳۰ ق، نزّه الأبصار و محاسن الآثار، چاپ اول، تهران: المجمع العالمی للتقريب بين المذاهب الإسلامیّه.

۱۲. مفید، محمدبن محمد، ۱۴۱۳ ق، الأمالی، قم: انتشارات کنگره جهانی شیخ مفید.

۱۳. منقری، نصر بن مزاحم، ۱۳۶۶ ش، بیکار صفین، ترجمه: پرویز اتابکی، چاپ اول، تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.

